THE RELATION BETWEEN ISLAM AND THE THEORY OF SPACE IN ARCHITECTURAL DESIGN

A. M. Noghrekar

School of Architecture and urban studies- Iran University of Science and Technology
a_noghrekar@iust.ac.ir

Abstract: Regarding the existing crisis of art and architecture from both theoretical and practical aspects, which are influenced by the dubitative and relativist viewpoints of western culture in new era, could be solved by the school of Islam from all its sides of theory, practice and historical background. To prove the above idea, firstly, the architecture would be introduced as a part of human science due to its relation with art, and then research methods in this science would be considered as a basis, while attending to all its conflicts based on belief and the selection of thoughts. In the next stage, the architectural subjects are discussed from both longitudinal and latitudinal dimensions based on leading principles on each subject. Then the inclusiveness of anthropology, aesthetics and the philosophy of Islamic art is explained based on a comparative evaluation with rival schools of thought. Subsequently after giving a perfect definition of architecture, space-geometry ideas is considered as the roots of architectural products, but as considers authenticity for architectural products in relation to human and his needs, establishes appropriate space-geometry ideas for each tools and methods of human perceptions. Finally for proving the proposed ideas, samples of impeccable architecture, the conversion of fire-temples to mosques and the architecture and urbanism of Islamic period have been introduced.

نظرت مکتب اسلام با فلسفه هنر و زیبایی و آثار هنری

موضوع شناسی، اصول راهبردی، روش های کاربردی، ارزیابی آثار

عبدالحمید نقوه کار

چکیده: در این مقاله مطالعه در تبیین، رابطه فرهنگ اسلامی (کلیه مکاتب فکری و اعتقادی) با فلسفه هنر و زیبایی و ارزیابی آثار هنری، ارائه شده است. سپس به موضوع شناسی مطالعه و تبیین رابطه تلیا از کلی تعریف مباحث نظری روی ارزیابی آثار هنری برداخته شده است. در محله بعد تفکیک گزاره های نظری و عملی و آثار هنری و اصول هنر کام مورد بحث قرار گرفته است. تکنیک اساسی در این مقاله تبیین سرچشمه ایده ها و ایده آتای هنرمندان است. که مشاهده هنری هدموم یا خنثی یا مصوب می باشند، مقوله فوق به توجه به حذفیت از حضرت علی (ع) صورت یافت. هر جهاد در این تحقیق یافته است. تکنیک اساسی دیگر، بحث پیرامون سیکیا و روشهای خلق آثار هنری است و پاسخ به این سنوال، که این می توان با داشتن ایده های مشترک، از سیکیا های متون دیگر خلق آثار هنری به راهبردهای مد نظر بعد ضمن نقد و ارزیابی مکاتب شیکیا مختلف از منظور زیبایی اسلامی، روشهای تحقیق کمی و سکولاریستی نیز از منظور فرهنگ اسلامی مورد نقد و ارزیابی قرار می گیرد و در نهایت مطالعه جمع بندی می شود.

واژه‌های کلیدی: اسلام، مکاتب فکری و اعتقادی، زیبایی، هنر، آثار هنری، اصول راهبردی (نظری)
بت هرچه مطلب بررسی کنید، این جملات به وضوح یک ترجمه غلط به انگلیسی از جملات اصلی از زبان فارسی است. لطفاً این جملات را با مراجعه به جملات اصلی بهزیستی از منابع متین و مناسب بررسی کنید.

جرحه و هر چیزی که در این جملات نشان داده شده است به طور مطلق غلط است و این اتفاقات را به شکل صحیح و معناداری مشاهده نمی‌کنید.

ما احتمالاً در درک صحیح این مطلب نیاز داریم و بهتر است که به منابعی که این جملات را تولید کرده‌اند به کمک بپردازیم. در نهایت، این جملات به طور صحیحی نیستند و باید با روش‌های صحیحی به درک صحیح این موضوعات بپردازیم.
۳. تبین رابطه موضوعی و عرضی (تفکیک مباحث نظری و عملی) در مکاتب فکری و اعتقادی با مباحث هنر و زیبایی

مباحث نظری سمتی از ارادة انسان محقق می‌باشد و مباحث عملی با ارادة و عمل انسان مشخص می‌شود و مباین و اصول و جهان فوق کاملان همکاری بوده و باید از هم تفکیک شود. لذا همکاری در نمودار (نماره ۱) ملاحظه می‌فرماید. این دو جهان از هم تفکیک شده و رابطه ای عرضی بین موضوعات مطروحه برقرار می‌باشد. این عشق به هنر و تاریکی از انسان و استعدادهای هنری به عنوان مکانیک و یا پایه است. همچنینکه بدون تبین یک مکتب حقیقیشناسی و ارائه معتقدات زیبایی شناسی از منظر انسانها تحت پیرامون فلسفه هنر و سنگش آثار هنری و تقد و ارزیابی آنها غیر ممکن خواهد بود.

فلسفه هنر و زیبایی

آنان که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌فرماید کلیه مکاتب فکری و اعتقادی جامع به یکنواخت در کلیه حوزه‌های هنری می‌باشند (نظری، عملی و ارزیابی اثر) مباین متقن و جامع و مباین را ارائه نمایند. ارتباط منسجم و عقل و معلومی مباحث فوق به گونه‌ای است که فقدان آنها بحث برپا می‌کند و ارتباط منظم و هماهنگ مباحث را از بین می‌برد و جامعیت مکتوب را نقض می‌نماید.

نمودار شماره ۱ مباحث شناسی مباحث بر محور طولی

۴. اصول متفاوت در گزاره‌های نظری، عملی و آثار هنری

با توجه به تفکیک سه حوزه متفاوت از گزاره‌های نظری، عملی و مصادر آثار هنری لازم است اصول هر یک از حوزه‌های فوق را در

مقدمه به یکدیگر مطرح نمایم. اگونه که در نمودار (نماره ۲) ملاحظه می‌شود، گزاره‌های نظری با هم‌ساخته، باید مبتنی بر واقعیت و حقیقت باشد، در غیر اینصورت کاریاب و غیرواقعی و باطل خواهد بود. بنابراین اصل بنیادین گزاره‌های نظری (حقیقت)
نمودار شماره ۳. اصول متفاوت در گزاره‌های نظری. عملیات آثار هنری

<table>
<thead>
<tr>
<th>خواص دوگانه نفسی</th>
<th>قوای پیچ گانه نفسی</th>
<th>مردان نفس انسان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

نمودار شماره ۴. انواع نفس انسان، قوا و خواص آن از منظر حضرت علی (ع)
روشیهای عملی (سبک‌های هنری)
نسبت تکامل و ضرورت وجودی انسان در حقیقت یک مسیر بیشتر نیست و مطلوکی برای وجود است از نظر انسان مرحله تنها تا عالی ترتیب مرحله آنها که مقدم انسان کامل و خلیفه انسان است. این سیر ناشی از تحقق استعداد فضایی و الی از که خداوند با تفخیم روحي خود، در کلیه انسانها به صورت بالقوه، به انسان و دبی جذبی گذاریم، این که ما انسانها در عالم دنیا و بطور بالقوه، هر یک در موضعی متفاوت، فردی و متفاوت، بر پایه معرفت و نیت و عمل خود قرار داریم. بنابراین، موجودیت هر یک از ما متفاوت و متفاوت است.

یعنی هر یک یک ماه، در مقام صفات حضرت حق، واضح و نسبی بعضی از صفات حق و فادق درخی می‌باشد. اگر یک یک مقدم که تمام انسان کامل با مقام وضعیت و مقام جامع صفات حق یعنی کلیه طبیعت عالم هو یک راهی برای تکمیل صفات حق در خود، طبی‌مایعی، بنی یک فردی که دارای صفت فهم (علم) است، ولی فرد صفت کم (کم)، با نیت و عمل کرمانه این با صفت فهم حاکی این صفت را نیز در خود محقق می‌سازد و نیز بیشتری می‌یابد و فردی که بر عکس دارای صفت (درست) ولی در مقام عمل (علم) ضعیف این اساس با خروجیت عشقت در محیطی سفید (محیطی)، که به علت میان‌هادی که تکامل انسان، تکامل و نیز تکمیل دراب پایان در می‌رسد.

ملاحظه می‌شود توان راه و سبک‌ها (بسیل) به دلیل موقعیت فردی و ماهیتی و اعتماد و تشکیل فردی است، اما این توان راهی برای تکمیل صفات حق و عقل انسان کامل و جامع صفات حق سیر نماید. بنابراین نقطه شروع حکم به جدای بوده و به سمت حق انسان، برای فردی مقدم بزرگتر و واحد انسان و مقصد سیر از کشتی به سمت حق باید با گزاره و توجه در روشهای عملی و سبک‌های هنری در این مطلب تشریح می‌شود.
که همان توپیخ حسن‌هائی به صورت نسبی تقریب جست. در عین حال هر سیستمی نمونه‌تندان، هر چندکه به مقایسه برسانند، مکر آنها به سمت مجموع صفات حسن جهت‌گیری کرده باشد.

با این بینا می‌توان در دل سیک‌ها و روش‌های متنوع و منتفی عملی و طراحی، در تجربه محتملا و مقایسه حسن و زیبایی همچنین بوده و به این‌ها و ایده‌های مشترکی در آثار هنری خود نمودارشماره ۶ کثرت گرافی توحیدی و غیرتوحیدی در اتخاذ روش‌های عملی (سیک‌های هنری)

احسن می‌پردازند، نظرات آنها را قبلا و ارزیابی نموده و افکار باطل آنها را محکوم و نظرات برحق خود را ایجاد می‌کنند. بنابراین از مننظر اسلامی که بناسته‌ی همه از اوی و به سوی او باز می‌گردد، هستی را پیامده و توحیدی معرفی می‌نماید و انسان‌ها را دارای قطع‌البه‌یه و غیرقابل تبدیل و تحول می‌دانند. و گراشات زیبایی خواهی آنها را دانست گاهی به مشناسان و سایر مکانیکی و نظری را با مبنا و ناپذیر بنابراین طراحی این حق را به خود مدهدکه سایر مکانیک را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و در یک بررسی تطبیقی نظرات خود را با تمام ایزابل و شباهت‌های ناشناخت منبتو متعارف به انبث آسان‌های مطلوب وقت را به اختصار درنمونه‌شماره ۸ مطرح نموده‌اند.

7. ارزیابی و نقد مکاتب زیبایی‌شناسی از منظر اسلام

گراشاتیا شکارگاه و نسبتا در جهت بازخیزی، عمل‌های سکولاریسم را در روش‌های تحقیقی یافته جدای از حاکم نموده‌اند و باعث رکود و تعطیلی نقد و ارزیابی نظریه‌ها و بررسی‌های تطبیقي در این موارد شده‌اند.

چرایی‌های فوق برگرتنی ضروره‌ی به عامل معرفی انسان‌ها و تبادل افکار و آداب انسانی بزرگ کردن سرد را در برگر تمامی فکری و معنوی انسان‌ها، در طول تاریخ ایجاد نموده‌اند، اساسا در نقطه مقابل معرف اسلامی، بینی بر کلام اله و کلام معصومین، درای هستی شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی روش و عمل آیده و ضمن دوست به دوی و مکان دانست معرفت‌های یافته، مدعی جامع و مانع بودن این عارف را در مکاتب اسلامی دانسته. هم انسان را دوست به شناخت خود و دستی می‌بینند و هم از را واحد ایثار و شباهت‌های معرفتی لازم می‌دانند، در قرآن کریم با مخالفین فکری و نظری خود با دلایل حسی، ترجیح و استدلال‌های عقلي - منطقی و مباحث روحي - عرفاني به مناظره و مداخله
8. تشريح نموذج شماره 8 و تحليل آن

في محاور عمودي اتتغاء مصطلح جهان بيني بر مبحة شناختي، في تركيب طبقاتي بدلاً من شکاکن تمدیم و جدیدیاً دیگری اسلامی که ممکن است به یاد خویش و یاد دوست منیاواهی قرار گرفته و در نتیجه ای آن یکی از مفاهیم قهوه، بهبود و ارتقا، جویایش و گرفتن، شناخت و حاوی تعریف و زبانشناسی، آنها و میانگین فلسفه و استه‌ی فلسفه‌ای و فیلسوفان شناسی این مکتب‌ها و نهاده‌ی که نستی در راه جوزه زبانی‌شناسی به خلق آثار هنری می‌پردازد، مطرح می‌شود. یا بیاید به جدید یافته، فرق و تحریری مکاتب فقیه ایده میدهد.

8.1. بررسی شک گرایان

الفرد) حواس یک گانه عقل جهت ارتباط با مرتبه مادی هستی، لیسبسی و در طول تاریخ از مفاهیم و مؤثر در مورد این، این ساخت و جویید اکثر صادق و موارد به دنبال این نیز این حقیقت می‌باشد که سازد از زدن از اجاه (وجد) سایر مراقبت وجود، اصل، و واقعیت، اعمال و آیاهای (مکتب الوجد) دارد.

ب) واقعیت وی اسحاق را از طریق احساس گرسنگی، تشکیل، درد و سایر نیازهای خاص و حس در مورد واقعیت طبیعی همکاری نمی‌باید به قرار سازمانده و سازمانده، و حدسی در جنبش تانک و ریپورترها، دلی و در شرایط واقعی هم‌زمان، این اسان در جبرای خود، حس واقعیت، متفاوت، از خود بی‌پایه و وسته به مجموع عوامل خارجی می‌باشد، اما اگر در به اراث و گزینش عقلی و
مواد شماره ۸ آنگ اکت انسان شناسی از پنج انسان شناسی و زیبایی
4. ياسخ به حقن غرابان (بيروني و درويتي)

الف) علاوة على انها مفتوحة، يبدأ في انها يكون بعد
وتلك ساحتي نستعي، بلعب حشرة مجربة استعانتاً عناصر
تركب شرد و نحو، أو استغلال و هو، خذوا را حقيق تناولهم.
بنابرین تناولات و ادواتها و احساسات درون أو فقته غرزي و غير
ننست للواء في اطر نشاط شناس و راواي الوك تجر
غراب حيوي و بالفعل أو شناختهم. بلعب أو وجود اد و مريدي
است هي في انها تكون بعد نفس روحا و انفتخه اليه خذوا، في
حالة ذلك نستعي حيث بينها تكو نت مشا بل، دا ان، فذما و
ب хрلال غرابان خذوا، عمل كن و با استدعا اذه استعداده
بوقوا لاقتوا و روحا و خذوا به حكم و تراجم و في دراهيه به
رضي و كرامت برست (بروي جدول شماره 3).

5. سياح به حقن غرابان

الف) انها، انترنتاً انت هنا على طريقة دراب هانق ار ضم و
دمت فيه و في ردوا و نجوا أو به، هو، INTER W و
نائز من انت اجا كه
بقرر ودود و درابهانانة. بد. عالم، عد اي، عالم، راداح
است على صد و ملامح و ملامح شهدت است
براي عالم ملوك و ادراك قليل و شهود انها و به، سوق تطور
ميا توذ هيديكر را تماين ندن.

6. مباني غرابان

الف) دراب هانق ار ضم و علية ار ار طبي با با عالم خارج
بقرر ودود انماط و ادراك تمج تصولا، انها، انها، انها,
داراي نفس روحا انت است، ميا توان با بشوا تركه روج، هم، اعمد
برري ودود خذوا را الفعل للامام و هم، به، عوا، برري ودود معرف
به وسطه و حضور، داش، با.

ب) علية و ربأ (ب) في تهاداين بقين و معرفه باستدعا و
حصوله استاد. مي، دا بقين و واطر و حضور و
احتفالاً نظر لفسلف، اندرسشننات انت انت انظر توجية، يد، است
ب انت كه انها درابهانانة و حضورو تصولا، مط مط انت، است
به، ميل، دينرس، با، و تهاداين و (عقل، ويل، و باق). برري
براي همانا انسانا، ضوري، اجتناب، تنجي، نة، تقوي ميا، شود.

7. عرفه غرابان

الف) ب توجهه به، مركب ضوم نوعوا ورواح انها و ادراك و
و انتها كه، مس و، كمال، معروف انسانا في طول زمان و ب،
تتجه صورت مي، و عناصر انزل نز و وجود و موتها و زمينه
معروف به، مرير و يه، شرد، دا معرفه يه، حضوري في انها
هم به، نهاده تحق، زد، و به، كافيا، نست.

ب) انت كه ادراك و وجود به، به، نهاده ذات اخدرت، سر مي، كشدا
بنابرین مي، عرفه عرفه به، حقيقه، ها، مرايا و انت است.
نیست مکتب اسلام با فلسفه هنر و زبان و آثار هنری (موضوعشناسی اصول راهبردی)
و ایده آله‌ها هر مندیان و هنرهاي ممدوح (عقلاني) و هنرهاي مدوم (خونی) تبين و تشریح نموهده است.
(۲۱) از آنجا که انسانها را در بعد فطري مشترک و یک نوع معنی می‌نماید و در عین حال تأثیر مجموع شرايط زمینی و مکانی را بر ماهیت انسانها ی پیدار، بنابراین رابطه هر مندیان و مخاطبانی را نه تنها مسر برخورد و لازم و رسانای یا موجه یا معنی می‌نماید، یعنی بعد ماهیتی و اختلاف برداشت ها و سلیقه ها را معاوض و انتخاب دانسته و قابل تغییر و تغییر و در مقابل بعد فطري و ادراك مشترک و وحدت بخش را بین هر مندیان و مخاطبان، بعد حقیقی، دانست و غیر قابل تبدیل و تحويل انسانها معنی می‌نماید و از این نظر تعلم انسانها و فرهنگ ها و هنرهاي اینها را در جهت کمال انسانی واجب و ضروری می‌داند.
(۲۲) از آنجا که از این و این را شناخته، آیا حقيقیت ازی و ادی می‌نماید و انسان را به صورت خود و جانشین خود در میان خلق نموهده است و... بنابراین، هر افرادی را تجلی معمای در جهت مندیان و انسان را در طبیعت اینه و هر که پتاند ماهیم و معنای عمقی و به ظاهر نادیده را در ظاهر اثر خود متحلی سازد و همچنین خداوندگان خود را خلق اثاری تاکر برانگیز و تعالی بخش بپردازد.
(۲۳) از آنجا که انسان را به تعلق و تدری و ثقفر و فقه و... در هنر افرادی فرا می‌خواند بنا براین را تنها هر مندیان را به خلق اثر اصل و اثر مشترک و مین شناخت و هم انسانها را به بهره برداری و تأمل در اثر هنری دعوت می‌نماید و موضوع زبان و زبانی افرادی را در همه ابعاد ظاهری و باطنی و دلیل نظام وجود دارد و به خلق اثر هنری و ادراك هنری با مسر کمال و صبوریت انسانها بیوندی ناگستنتی برقرار می‌نماید.

مراجع
۱) حضرت ولی نهج البلاغه، فیض الامام، خلقه اول.
۲) حسن زاده املی، حسن، هزار و یک تکه، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳) حسن زاده املی، حسن، هزار و یک تکه، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۴) حسین پاشا فردوسی، حقیقت حسین، مجموعه اثرات، مجموعه اثار، منشات اسلام، انتشارات ستاد بزرگداشت منشات شهید. ۱۳۸۱، صفحه ۲۳۴۹ بند ۳.
۵) حسینی، محمد رضا، داستان جو، ۱۳۸۲، صفحه ۹۹.
۶) حسینی، محمد رضا، داستان جو، ۱۳۸۲، صفحه ۹۹.

۱۰ سحه بزرگ ای ای ۲۳۴۴ سوره الامام ای ۱۳۵۱ و...